

نشست اخیر هیئت‌های آمریکایی و روسی در استانبول نشان داد که تمرکز آن‌ها بر عادی سازی فعالیت نمایندگی‌های دیپلماتیک دو کشور بود، نه جنگ اوکراین. بنا بر این حال، این تعامل به وضوح با تلاش‌های دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، برای مذاکره جهت پایان دادن به این جنگ مرتبط است. مشکل اینجاست که، به جز ترامپ که رویای دریافت جایزه صلح نوبل را در سر دارد، هیچ‌یک از طرف‌های درگیر در جنگ - نه روسیه، نه اوکراین و نه اتحادیه اروپا - اکنون خواستار پایان دادن به این درگیری نیستند. هیچ‌کس از موقعیت مذاکره خود راضی نیست و اعتبار همه در خطر است.

اوکراین با گزینه‌های بدی روبه‌رو است. با وجود مقاومت شجاعانه در برابر تهاجم روسیه، ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، در موقعیتی نیست که به خواسته‌های خود یعنی بازپس‌گیری همه مناطق اشغال شده یا ضمیمه‌شده توسط روسیه (از جمله کریمه) و عضویت کامل در ناتو با تضمین‌های امنیتی محکم دست یابد. این موضوع در زمان جو بایدن، رئیس‌جمهور پیشین نیز صدق می‌کرد، اما ترامپ عملاً این خواسته‌ها را غیرواقع‌بینانه خوانده و رد کرده است. در واقع، ترامپ بدون اینکه هیچ تضمین امنیتی ارائه کند، زلنسکی را تحت فشار قرار داده تا در ازای حمایت آمریکا در جنگ، دسترسی به ذخایر معذنی کیمیا اوکراین را به آمریکا بدهد. زلنسکی حالا با انتخابی دشوار روبه‌روست و باید میان دادن امتیازات بزرگ به آمریکا و روسیه یا ریختن خون و سرمایه بیشتر اوکراینی‌ها برای اوکراینی‌ها دست‌نیافتنی «پیروزی کامل» دست به انتخاب بزند. اروپا نیز مانند اوکراین در حال حاضر تمایلی به حمایت از توافق صلح ندارد. رهبران اتحادیه اروپا می‌دانند که معتقدند هر چیزی کمتر از شکست کامل برنامه ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، برای بازسازی حوزه نفوذ شوروی سابق، تهدیدی برای اروپاست. آن‌ها تأکید دارند که حتی یک روسیه ضعیف‌شده همچنان می‌تواند مخل امنیت باشد. اگر چه احتمالاً اکنون دریافته‌اند که حصول این خواسته تقریباً غیرممکن است، ترجیح می‌دهند شرمندگی اجتناب‌ناپذیر پذیرش توافقی را که به روسیه امتیاز بدهد، به تعویق بیندازند. روسیه نسبت به دیگران کمتر از یک توافق صلح ضرر می‌کند و پوتین ممکن است بتواند بدون از دست دادن اعتبار، جنگ را پایان دهد. این کشور بر خلاف پیش‌بینی‌ها، تحریم‌های سخت و محدودیت‌ها را تحمل کرده و از بی‌ثباتی در داخل جلوگیری کرده است. علاوه بر این، هر چند روسیه به‌طور کامل دوتنسک، خرسون، لوهانسک یا زاپوریژیا را ضمیمه نکرده، خسارات سرزمینی قابل توجهی به اوکراین وارد کرده که بعید است به‌طور کامل جبران شوند. مهم‌تر از آنکه، اشتیاق زیاد ترامپ برای رسیدن به توافق ممکن است او را به پذیرش خواسته‌های کلیدی روسیه، مانند جلوگیری از عضویت اوکراین در ناتو، ترغیب کند؛ به‌ویژه اگر پوتین در برابر مسلح ماندن اوکراین نرمش نشان دهد یا بپوستن اوکراین به اتحادیه اروپا مخالفت نکند. اما پوتین عجله‌ای برای توافق صلح ندارد. مذاکرات دو جانبه آمریکا و روسیه از جمله دیدارهایی در ریاض در فوریه و مارس به‌عنوان دستاورد دیپلماتیک معرفی شده‌اند. با این حال، اظهارات نمایندگان روسیه، به‌ویژه سرگئی بسدا، مشاور رئیس سرویس امنیتی فدرال روسیه (FSB)، و گریگوری کاراسین، رئیس کمیته امور بین‌الملل شورای فدراسیون، نشان می‌دهد که پیشرفت چندانی در رسیدن به توافق حاصل نشده است. یکی از دلایل این وضعیت ممکن است غیبت اوکراین و اتحادیه اروپا در مذاکرات باشد که توانایی ترامپ برای ارائه پیشنهادات را محدود می‌کند. شاید مهم‌تر اینکه، پوتین هنوز در حال ارزیابی حد و مرز پیشنهادات ترامپ است. به همین دلیل، در چارچوب توافق جدید امنیت دریایی در دریای سیاه، پوتین خواستار لغو تحریم‌ها و محدودیت‌ها علیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان محصولات کشاورزی و برخی مؤسسات مالی، از جمله بانک کشاورزی دولتی روسیه، شده است. ترامپ پیش از هر چیز یک تاجر است و جاه‌طلبی دیرینه او برای حضور در مسکو را می‌شناسد. در دیداری اتفاقی در سال ۱۹۹۶، او به من گفت که می‌خواهد مسابقه خود را به روسیه بیاورد (هدفی که در سال ۲۰۱۳ محقق کرد) و برچی به نام ترامپ در مسکو بسازد (رؤیایی که هنوز به آن نرسیده است). آیا ممکن است کرملین در ازای لغو تحریم‌ها، املاک ارزشمندی در میدان سرخ یا معامله تجاری پرسودی به رئیس‌جمهور آمریکا پیشنهاد دهد؟ با ترکیب درستی از خواسته‌های سنجیده و پیشنهادات و سوسه‌انگیز، پوتین ممکن است بتواند خود را در جایگاه تصمیم‌گیرنده قرار دهد.



# دیپلماسی نامحسوب

## افکار عمومی در ایالات متحده چه نگاهی به سیاست خارجی دولت ترامپ دارد؟



محمدحسین لطف‌الهی  
خبرنگار گروه بین‌الملل



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در عرصه سیاست خارجی استراتژی کاملاً متفاوتی را نسبت به جو بایدن، رئیس‌جمهور پیشین این کشور در پیش گرفته است؛ در مدت زمان کوتاهی که از آغاز دوره ریاست جمهوری او می‌گذرد ایالات متحده از توافق‌های بین‌المللی خارج شد، همکاری نزدیکی را با روسیه به منظور پایان جنگ در اوکراین آغاز کرد، به دنبال الحاق سرزمین‌های خارجی است و سیاست اعمال تعرفه علیه بسیاری از کشورهای از جمله مهم‌ترین شرکای تجاری آمریکا را دنبال می‌کند.

نظرسنجی جدید موسسه افکارسنجی PEW نشان می‌دهد مردم آمریکا چندان با اقدامات اخیر رئیس‌جمهورشان در حوزه سیاست خارجی همسو نیستند و بسیاری از آن‌ها باور دارند آمریکا مسیر اشتباهی را در پیش گرفته است.

### سیاست غیر متوازن از اوکراین تا غزه

بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید نقطه آغاز تغییراتی بزرگ در روابط واشنگتن و مسکو بود. کاخ سفید که می‌خواست در سریع‌ترین زمان ممکن آتش‌بس برقرار شود، خیلی زود مذاکرات مستقیم با کرملین را آغاز کرد و ضمن پذیرش بخش بزرگی از خواسته‌های کرملین از جمله حفظ مناطق اشغالی در اوکراین خواستار برقراری آتش‌بس در اوکراین شد. برای روس‌ها اما وضعیت متفاوت بود؛ آن‌ها که محاصره دیپلماتیک و تلاش برای تحمیل انزوا بر روسیه را پایان یافته می‌دیدند، نغتنها حاضر به عقب‌نشینی از خواسته‌های خود نشدند بلکه تلاش کردند تا بیشتر از گذشته بر خواسته‌های حداکثری خود برای پایان جنگ تأکید کنند. این وضعیت ترامپ را تا حدی عصبانی و ناراحت کرده اما مذاکرات میان آمریکا و روسیه برای دستیابی به توافق برای پایان جنگ ادامه دارد. روز جمعه ۱۱ آوریل، استیون ویتکاف، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا عازم سر پترزبورگ شد و با کیریل دیمیترف، رئیس صندوق سرمایه‌گذاری مستقیم روسیه و فرستاده ویژه رئیس‌جمهور این کشور دیدار کرد. او در ادامه این سفر دیداری طولانی هم با ولادیمیر پوتین داشت.

بر اساس داده‌های منتشرشده از سوی موسسه افکارسنجی PEW، بسیاری از آمریکایی‌ها سیاست ترامپ در قبال روسیه و اوکراین را متوازن نمی‌دانند. ۴۳ درصد می‌گویند او بیش از اندازه از روسیه طرفداری می‌کند و تنها ۳ نفر از هر ۱۰ آمریکایی باور دارد که رئیس‌جمهور آمریکا شیوه مناسبی را در مواجهه با مسئله روسیه و اوکراین در پیش گرفته است. این در حالی است که ۲۲ درصد از مشارکت‌کنندگان در نظرسنجی نسبت به اظهار نظر پیرامون این مسئله نامطمئن بودند و ۳ درصد نیز رویکرد ترامپ را نوعی «حمایت بیش از حد از اوکراین» توصیف کردند.

جمهوری خواهان (۵۷ درصد) باور دارند که ترامپ سیاست متوازنی را در قبال روسیه و اوکراین در پیش گرفته اما دموکرات‌ها (۲۲ درصد) رویکرد رئیس‌جمهور آمریکا را جانبدارانه می‌دانند و معتقدند ترامپ از روسیه حمایت می‌کند.

زمانی که از مشارکت‌کنندگان درباره مدیریت مسئله اسرائیل فلسطین سوال شد، ۳۱ درصد در پاسخ رویکرد ترامپ را «حمایت زیاد از حد از اسرائیل» دانستند. در مقابل ۲۹ درصد سیاست کاخ

سفید در این موضوع را متوازن خواندند، ۳۷ درصد اطلاعات‌شان را برای اظهار نظر درباره این مسئله کافی ندانستند و ۲ درصد نیز مدعی شدند که ترامپ جانب فلسطینی‌ها را ننگه می‌دارد.

در این موضوع نیز شکاف حزبی نمود واضحی دارد. ۵۱ درصد جمهوری خواهان می‌گویند ترامپ سیاست خوبی را در پیش گرفته؛ در حالی که ۵۰ درصد دموکرات‌ها رویکرد ترامپ را جانبداری از اسرائیل می‌دانند.

### بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید نقطه آغاز تغییراتی بزرگ در روابط واشنگتن و مسکو بود. کاخ سفید که می‌خواست

### در سریع‌ترین زمان ممکن آتش‌بس برقرار شود. خیلی زود مذاکرات مستقیم با کرملین را آغاز کرد و

### ضمن پذیرش بخش بزرگی از خواسته‌های کرملین از جمله

### حفظ مناطق اشغالی در اوکراین خواستار برقراری آتش‌بس در اوکراین شد. برای

### روس‌ها اما وضعیت متفاوت بود؛ آن‌ها که

### محاصره دیپلماتیک و تلاش برای تحمیل انزوا بر روسیه را پایان یافته

### می‌دیدند، نغتنها حاضر به عقب‌نشینی

### از خواسته‌های خود نشدند بلکه تلاش کردند تا بیشتر از گذشته بر خواسته‌های

### حداکثری خود برای پایان جنگ تأکید کنند

### مخالفت با کنترل غزه و گرینلند

یکی از تمایزهای آشکار دولت کنونی با دولت پیشین آمریکا، دنبال کردن علنی سیاستی تهاجمی با هدف تحت کنترل قرار دادن مناطق تحت کنترل دیگر کشورهاست. ترامپ در نخستین روزهای ریاست جمهوری خود خواستار خرید گرینلند از دانمارک شد. او روز سه‌شنبه ۴ فوریه در اظهار نظری شوکه‌کننده حتی برای نزدیک‌ترین مشاورانش، اعلام کرد که ایالات متحده باید کنترل نوار غزه را به دست گیرد و فلسطینیان ساکن آن را به جایی دیگر منتقل کند. او گفت که آمریکا مسئولیت بازسازی و تبدیل کردن غزه به قیله مشاغل و توریسم را خواهد پذیرفت و غزه را به «رویاری خاورمیانه» تبدیل خواهد کرد.

این طرح با استقبال بنامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل که برای دیدار با ترامپ به ایالات متحده سفر کرده بود روبه‌رو شد؛ نتانیاهو همان روز در پاسخ به خبرنگارانی که درباره طرح ترامپ سوال می‌کردند، گفت: «او آینده متفاوتی را برای این منطقه می‌بیند. این طرح ارزش مورد توجه قرار گرفتن را دارد و می‌تواند تاریخ را عوض کند»

اما برای فلسطینیان که طی دهه‌های گذشته برای حفظ سرزمین‌شان جنگیده‌اند، طرح ترامپ به مثابه گذر از کابوس قتل عام به کابوسی هولناک‌تر است. از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا زمانی که آتش‌بس میان اسرائیل و حماس در ۱۹ ژانویه ۲۰۲۵ برقرار شود، نوار غزه در معرض حملات ویرانگر و مرگبار اسرائیل بود که به کشته شدن بیش

از ۴۷ هزار نفر از ساکنان و از بین رفتن بخش اعظمی از زیرساخت‌ها در این منطقه شد. ترامپ پیش‌تر نیز خواهان پذیرش سساکان غزه از سوی اردن و مصر شده بود اما هر دو این کشورها پیشنهاد رئیس‌جمهور آمریکا را برای میزبانی از ساکنان غزه رد کردند.

از نظر بسیاری از کارشناسان و مقام‌های ارشد سازمان‌های بین‌المللی، هرگونه جابه‌جایی اجباری مردم از نظر حقوق بین‌الملل ممنوع و جرم است. استفان دوژاریک، سخنگوی سازمان ملل متحد، روز چهارشنبه ۵ فوریه در پاسخ به پرسشی درباره پیشنهاد ترامپ گفت: «هرگونه جابه‌جایی اجباری مردم، معادل پاک‌سازی قومی است.» در قوانین بین‌المللی هم ممنوع بودن انتقال اجباری ساکنان یک منطقه با صراحت مورد اشاره قرار گرفته است.

کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹) تصریح می‌کند «انتقال اجباری دسته‌جمعی یا انفرادی و نقل مکان اشخاص مورد حمایت از اراضی اشغال شده به خاک دولت اشغال‌کننده یا به خاک هر دولت دیگری اعم از اینکه اشغال شده یا نشده باشد به هر علتی ممنوع است.» جابه‌جایی اجباری غیرنظامیان بر اساس کنوانسیون‌های ژنو (متون بنیادی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی که نحوه رفتار با غیرنظامیان در زمان درگیری‌های مسلحانه را تعیین می‌کنند) ممنوع است. کنوانسیون ژنو سال ۱۹۴۹ تصریح می‌کند که «انتقال اجباری انبوه» به هر کشوری، صرف‌نظر از انگیزه، ممنوع است. در پروتکل اصلاحی سال ۱۹۷۷ هم تأکید شده «غیرنظامیان نباید به دلیل مسائل مرتبط با درگیری مجبور به ترک سرزمین خود شوند.» هم ایالات متحده و هم اسرائیل از امضاکنندگان کنوانسیون‌های ژنو هستند

یک‌پنجم آمریکایی‌ها معتقدند ترامپ با تمام توان این اهداف را دنبال خواهد کرد اما بیشتر مردم بر این باورند که این اهداف برای رئیس‌جمهور آمریکا دست‌یافتنی نخواهد بود.

از هر سه آمریکایی، دو آمریکایی می‌گویند با الحاق این مناطق به خاک ایالات متحده مخالفند اما شکاف حزبی در نگاه به این موضوع کاملاً محسوس است. بیشتر جمهوری خواهان (۴۱ درصد) از ایده الحاق گرینلند به آمریکا استقبال می‌کنند و تعداد کمتری از آن‌ها (۲۸ درصد) این کار را غلط می‌دانند. در مقابل در موضوع تحت کنترل در آوردن غزه ۴۴ درصد آن‌ها مخالف این کار هستند و تنها

